

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و العاقبة لأهل التقوى و اليقين و الصلوة و السلام على أشرف الأنبياء و المرسلين حبيب إله العالمين أبا القاسم محمد.

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَ سَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَ مَذَامِّ الْأَفْعَالِ<sup>۱</sup>.

از دعاهاى امام سجاد(عليه السلام) در استعاذه به آنچه كه رذائل اخلاقي و اخلاق مذمومه و برخى گناهان كه خطرات آن براى انسان زياد است پناه به خدا برده، چون بحث اول در استعاذه از اينها است، لازم ديدم كه يك مقدار در استعاذه صحبت كنيم.

اولاً بدانيد كه اين عالم دار بالبلاء محفوفه است، دارى است كه به گرفتارى و رنج، مشقت، غم، غصه، انحراف و ظلمها محفوفه است، انسان به اين گرهها پيچيده شده، در روايتى به اين مضمون خدا مى فرمايد كه من راحتى را در دنيا قرار ندادم، مردم در دنيا راحتى مى خواهند و گير آنها هم نمى آيد، آن كسى هم كه مى گويد راحت هستم اشتباه کرده، غرق گرفتارى است، در اين گرفتارىها خداوند از انسان عبوديت و بندگى مى خواهد، اين خيلى مشكل است، به خصوص در آخرالزمان كه هر روزى كه مى گذرد ظلم، غم و غصه و سختى بيشتر مى شود، روبه بدتر شدن است، روبه بهتر شدن نيست، در اين جو خدا از انسان تقوى، پاكي، عبادت و بندگى و ترك گناه مى خواهد، با چه نيروى انسان بتواند از اين عالم با خواست الهى و انبياء الهى، با آنچه آنها مى خواهند انسان پرواز كند، اين خيلى مشكل است و لذا جهاد نفس لازم دارد، اينكه انسان با تمام اين رنجها انسان بسازد و با رنج عبادت و بندگى هم بسازد، تا بتواند مقدارى به عالم قدس و معنويت پرواز كند، براى اينكه متوجه شويد كه ما در چه مشكلاتى هستيم، مطالبى را بيان مى كنم تا بدانيد كه ما چه خطرهابى در سير الى الله داريم، و حقاً انسان بايد به خدا پناه ببرد و اولياء الهى بايد دست انسان را بگيرند تا انسان از اين گرداب و بعد از خدا و ظلم و جنايت عبور كند و به وادى قرب انسان را برسانند.

قال رسول الله(صلى الله عليه و آله وسلم) فى القلب لمتان: لمة من الملك وعد بالخير و تصديق بالحق، و لمة من العدو ايعاد بالشر و تكذيب بالحق و نهى عن الخير.<sup>۲</sup> در قلب انسان دو ندا هست، همواره انسان را مى خوانند، دو كلام کنار قلب انسان با انسان صحبت مى كنند، يك صدائى و ندايى و هدايتى از ملك است، اين ندا ملك انسان را وعده خير و عافيت و عاقبت بخيرى و امثال ذلك مى دهد، طريق حق را بيان مى كند، كه

۱. الصحيفة السجادية، ص ۵۶، دعا (۸)، (و كان من دعائه عليه السلام فى الاستعاذة من المكاره و سبئ الأخلاق و مذام الأفعال):

۲. شرح أصول الكافي (صدر)، ج ۱، ص ۲۴۶، الشرح

انسان در طریق حق حرکت کند، وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ<sup>۱</sup> صراط مستقیم به سعادت و کمال، عبودیت و بندگی است، یک ندا غیر از ندای انبیاء، پیامبر و ائمه وجود دارد، در قلب انسان هم یک ندایی از ملک هست که وعده خیر می‌دهد و تصدیق به حق می‌کند، پیامبر فرمود که اگر کسی در خود یافت که قلب او را به وادی خیر دعوت می‌کند، برویم جماعت، مسجد، مجلس وعظ و موعظه، یک چیزهایی در قلب انسان می‌آید که انسان را در جانب خیر می‌کشاند، یا به جانب حق دعوت می‌کند، اگر این را در نفس و قلب خود یافت بدانند که این ملک از جانب خدا این بنده را به خیر دعوت می‌کند، چقدر خدا رؤوف و مهربان است، راه خیر را به انسان معرفی کرد، به انسان عقل داد، انسان را هوشیار کرد، خیر و بد را معرفی کرده، انبیاء را فرستاده، رنج‌ها و مشقت دیدند تا راه را معرفی کنند، در عین حال یک ندایی هم در قلب انسان می‌گوید که انسان در مسیر حق برود، اگر کسی این حقیقت را در خود یافت، بدانند که این ندا از جانب خدا از طریق ملک به قلب او وارد شده، حمد خدا کند که خدا او را دوست دارد، به او عنایت دارد، او را هدایت و ارشاد به صراط مستقیم می‌کند، ندایی هم هست از شیطان، دعوت به شر می‌کند، وعده به کار بد گناه و معصیت می‌کند، اینکه انسان حق را تکذیب کند، در مسیر حق قدم برندارد، باطل را برای انسان جلوه بدهد که انسان بسوی باطل حرکت کند، همان طور که می‌بینید، و نهی می‌کند از کارهای خیر، قرآن در سوره بقره آیه ۲۶۸ می‌فرماید الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ. به شما وعده فقر می‌دهد، تا می‌خواهید انفاقی بدهید، می‌گوید نکن خود بیشتر به این نیاز داری، جلوی خیر را می‌گیرد، راه خیر می‌خواهید بروید جلوی شما را می‌گیرد، یک کار خیر می‌خواهید بکنید جلوی شما را می‌گیرد، این ندا هم هست، باید هم باشد، خدا بنا ندارد که شیطان را بردارد، اصل شیطان و ندهای شیطانی باید باشد، حکمت را بعداً می‌گوییم، خدا قدرت داشت که همه این‌ها را بردارد و همه در مسیر حق قدم بردارند، اما باید شیطان باشد، بناء شیطان بر دشمنی با انسان است، از اول اعلام کرد که من دشمن تو هستم، دشمن است اما از طریق دوستی وارد می‌شود، خیلی هم بلد است، استاد است، واقعاً استاد است، هر کسی را به مقدار قدرتی که دارد زنجیر مناسب او را دارد، حرف مناسب او را دارد، هدایت بسوی آن چیزی دارد که خود می‌خواهد، خود شیطان سجده نکرد، چند هزار سال، که امیرالمومنین می‌فرماید معلوم نیست این از سال‌های دنیا است یا آخرت، شش هزار سال دنیایی بگویند عبادت کرد با یک سجده نکردن همه را از بین ببرد، آنچنان که ملعون پروردگار و ملائکه شد، به خدا نسبت می‌دهد که خدا من را اغوا کردی، من برای بنی آدم در صراط مستقیم می‌نشینم، راه مستقیم صراط عبودیت است، یعنی نمی‌گذارم که عبد تو باشی بلکه کاری می‌کنم که عبد من باشی، خیلی قوی

۱. سوره یس، آیه ۶۱

است، ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ.<sup>۱</sup> واقعاً هم حرفی که زد را انجام داد، الآن چند میلیارد جمعیت در راه حق هستند، از اول هم همین بود، با تاکید هم گفته سر راه آن‌ها می‌نشینم، بندگان را از هر طرف مورد حمله قرار می‌دهم، شیطان در مجرای دم و خون انسان حرکت می‌کند، انسان را احاطه کرده و می‌خواهد که انسان را از صراط مستقیم عبودیت و بندگی کنار بزند، به خدا عرض کرد نمی‌بایی بیشتر این مردم را شاکر، یعنی تشکر نمی‌کنند، قدردان نعمت نیستند، در صراط مستقیم نیستند، کفران نعمت می‌کنند، کافر هستند، دین ندارند، نعمت خدا را نعمت نمی‌دانند.

خدا هم اول به آدم و حوا اعلام کرد أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ.<sup>۲</sup> من شما را نهی نکردم از آن شجره، وقتی که خوردند و خود را آلوده کردند، به شما نگفتم که شیطان دشمن آشکار شما است، دشمنی او آشکار است، اینقدر کنار گوش شما نشست قسم دروغ خورد تا از این گندم خوردید، از آن شجره خوردید.

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.<sup>۳</sup> شیطان شما را به فتنه و بلا و گرفتاری نیاندازد، بنی آدم حواستان جمع باشد، شیطان دوست شما نیست، همان طور که آن‌ها را به بدبختی ظاهری انداخت، چون حکمت الهی است، می‌توانستند مدتی در آن بهشت بمانند، همین باعث شد که از آن بهشت اخراج شوند، نکند همان طور که آن‌ها را به فتنه انداخت شما را هم به فتنه بیاندازد، از صراط مستقیم و عبودیت و بندگی خدا کناره بگیرد.

انبیاء الهی در تمام مشکلات به خدا پناه می‌بردند، حضرت نوح(علیه السلام) اصرار داشت که فرزند او بیاید و در کشتی سوار شد نجات پیدا کند، هرچه به آن بچه اصرار کرد او نیامد و گفت به کوه پناه می‌برم، می‌روم بالای کوه، فرمود امروز نجات نیست، اما هرچه کرد نیامد، اینجا خطاب به حضرت رسید که قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.<sup>۴</sup> فرمود این اهل تو نیست، کسی که در مسیر عبادت و بندگی نیست ولو فرزند انسان هم باشد اما از اهل انسان نیست، نااهل است، خداوند در ادامه به حضرت فرمود چیزی که نسبت به آن علم نداری را درخواست نکن، او به تو و خدا اعتقاد ندارد، اینجا حضرت می‌فرماید خدایا من پناه به تو می‌برم از این که چیزی را که علم ندارم سؤال

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷

۲. سوره اعراف، آیه ۲۲

۳. سوره اعراف، آیه ۲۷

۴. سوره هود، آیه ۴۶

کنم. حضرت نوح به خدا پناه برد و به همین دلیل خدا به او دو خلعت داد، یکی اینکه خداوند سلامت را برای او خواست و کشتی به سلامت رسید، یکی هم برکات به او داد، این نتیجه پناهی بود که به خدا برد.

حضرت یوسف در دعوت به گناه از سوی ذلیخا این طور فرمود **مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ**.<sup>۱</sup> جایگاه مرا خدا جایگاه خوبی قرار داد، خدا به من خیلی لطف کرد، خدایی که مرا فرزند یعقوب قرار داد، از چاه بیرون آورد، در یک چنین خانه‌ای من را قرار داد و چیزهای دیگر، اینجا هم حضرت از سوء و فحشاء به خدا پناه برد، او خدا و را نجات داد، دو خلعت به او داد، بدی و زشتی و رنج را از او دفع کرد.

حضرت موسی هم به خدا پناه برد، **قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ**.<sup>۲</sup> یک جوانی را کشتند، بنا شد بنی اسرائیل گاوی را بکشند و عضوی از آن گاو را به آن فردی که کشته شده بود بزنند تا زنده شود و قاتل را معرفی کند، حضرت دستور داد که گاوی را بکشید، بنی اسرائیل گفتند که **قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا مَا رَا** مسخره می‌کنی، حضرت فرمود **قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ** من به خدا پناه می‌برم که از جاهلین باشم، یعنی مسخره کردن از جهالت است، من می‌خواهم یک حقیقتی را به شما بگویم، واقعیت است، پناه به خدا برد از اینکه از جاهلین باشد، خدا در این پناهی که به خدا برد دو خلعت به موسی داد، اول اینکه تهمت را از موسی دور کرد، بنا شد قارون یک تهمتی به موسی بزند که خدا آن تهمت را در اثر همین پناه بردن به خدا از او دور کرد، یکی هم گاو را که کشتند با دم گاو به مقتول زدند او زنده شد، چون موسی به خدا پناه برد خدا برای موسی وسیله قرارداد تا مقتول زنده شود، این هم دو خلعتی که خدا در پرتو پناه بردن حضرت موسی به خدا به او داد.

خداوند ملک روح را بر مریم فرستاد **فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا**.<sup>۳</sup> اینجا آن ملک بصورت بشری بسوی مریم آمد، اینجا مریم گفت **قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا**.<sup>۴</sup> پناه به خدا می‌برد، اینجا هم خدا به او دو خلعت عطا کرد، یکی ولدی چون عیسی و تنزیه از گناه و معصیت، وقتی که اطرافیان آمدند و گفتند که این بچه را از کجا آوردی، اشاره به گهواره کرد، حضرت عیسی خود را معرفی کرد و تعریف از مادر کرد، خدا با این دو خلعت مریم را هم مورد عنایت قرارداد.

آیات و روایات در این مورد زیاد است، این‌ها می‌رساند که انبیاء و اولیاء الهی در تمام امور مشکلی که داشتند به خدا پناه می‌بردند، خود پیامبر اکرم چقدر خدا امر به ایشان کرد به خدا پناه ببرد، **وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ**

۱. سوره یوسف، آیه ۲۳

۲. سوره بقره، آیه ۶۷

۳. سوره مریم، آیه ۱۷

۴. سوره مریم، آیه ۱۸

هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.<sup>۱</sup> خداوند به حضرت فرمود یا رسول الله بگو و از خدا بخواه که خدا به تو پناه بدهد از لغزش‌ها و همزات و وسوسه‌های شیطان، اینکه شیطان حاضر شود، خود پیامبر مامور است که پناه به خدا ببرد.

در قرآن دارد که فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.<sup>۲</sup> وقتی قرآن می‌خوانید به خدا پناه ببرید، وقتی قرآن می‌خوانیم گاهی حواسمان این طرف و آن طرف می‌رود، گاهی حواس ما از خواندن قرآن کنار می‌رود، در فکر هستیم و قرآن هم می‌خوانیم، گاهی انسان نماز می‌خواند و این طرف و آن طرف می‌رود، اینجا اعوذ بالله بگویید.

دعای ایام ماه مبارک رمضان انحرافات شیطان را در آن دعا بیان کرده، در غیر از این دعا جایی ندیدیم که انحرافات شیطان همه را معرفی کرده باشد، البته در دعاهای مختصر نیست، بلکه در آن دعاهای مفصل ماه رمضان است، می‌فرماید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ وَ وَسْوَستِهِ وَ تَثْبِيطِهِ وَ بَطْشِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرَهُ وَ حَبَائِلِهِ وَ خُدَعَهُ وَ أَمَانِيهِ وَ غُرُورِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ شُرْكَهٖ وَ أَحْزَابِهِ وَ اتِّبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَوْلِيَاءِهِ وَ شُرَكَائِهِ وَ جَمِيعِ مَكَائِدِهِ.<sup>۳</sup> خدایا مرا در پناه خود بگری، اعزنی، البته امر در اینجا در مقام دعا است، در این روز ماه مبارک رمضان من را در پناه خود بگیر از شیطان رجیم و کارهای شیطانی، آن کارهای شیطانی چیست؟ وَ هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ وَ وَسْوَستِهِ وَ تَثْبِيطِهِ وَ بَطْشِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرَهُ وَ حَبَائِلِهِ وَ خُدَعَهُ وَ أَمَانِيهِ وَ غُرُورِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ شُرْكَهٖ وَ أَحْزَابِهِ وَ اتِّبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَوْلِيَاءِهِ وَ شُرَكَائِهِ وَ جَمِيعِ مَكَائِدِهِ، این‌ها همه کارهای شیطانی است، یک کار ندارد، به انواع و اقسام روش‌ها در داخل و خارج انسان شیطان احاطه دارد، اینجا قدرت ایمان می‌خواهد، با اعتقاد خالی اسمی پدر و مادری می‌شود جواب شیطان را داد، ایمان را سالم برد! تقوی داشت، اهل عبادت و بندگی شد! لذا خداوند به پیامبر امر کرده که در تمام خلق به خدا پناه ببرد، خلق گاهی باعث بدبختی و انحراف انسان می‌شوند، ضرر به انسان و زیان به انسان می‌شوند، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ.<sup>۴</sup> قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.<sup>۵</sup> بگو پناه می‌برم به رب فلق، تمام مخلوقات ممکن است برای انسان شر شوند، حیوانات ضرر برسانند، یک حیوان انسان را بزند، انسان‌ها شر بشوند، باید به خدا پناه برد، موجودات برای انسان زحمت ایجاد کنند.

۱. سوره مومنون، آیه ۹۷ و ۹۸

۲. سوره نحل، آیه ۹۸

۳. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۱۰۴، الفصل الخامس فی أعمال لیالی و ایام شهر رمضان المبارک

۴. سوره ناس، آیه ۱ تا ۴

۵. سوره فلق، آیه ۱ تا ۲

خطاب به پیامبر اکرم و قُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَاعُوذُ بِكَ رَبُّ أَنْ يَحْضُرُونِ.<sup>۱</sup> وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.<sup>۲</sup> اگر احساس کردی شیطان در تو وسوسه‌ای ایجاد می‌کند به خدا پناه ببر، خدا صدای تو را می‌شنود، درد تو را هم می‌داند و به تو کمک می‌کند.

امام سجاد(علیه السلام) در دعا و مناجات شاکین می‌فرماید خدایا من به تو شکایت می‌کنم از دشمنی که برای من هست، که همواره این دشمن در مقام است که من را گمراه کند، منحرف کند، این برای ما است، البته شیطان که نمی‌تواند هر کسی را که بخواهد گمراه کند، البته او دوست دارد که همه را گمراه کند، با انبیاء هم کار داشت، منتهی آن‌ها به خدا پناه می‌بردند، در پناه خدا قرار می‌گرفتند، إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو عَدْوًا يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَسِ صَدْرِي، وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ إِلَيَّ الْهَوَىٰ وَ يُزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَى.<sup>۳</sup> شکایت می‌کنم به تو از شیطانی که من را اغوا می‌کند، با وسوسه‌ها صدر و سینه من را پر کرده، تمام راه‌های گناه و معاصی و بعد از خدا همه وسوسه شیطان در صدر انسان است، تمام انسان‌هایی که این راه انحرافی را گرفتند صدر آن‌ها تحت حکومت شیطان است، القاءات شیطان قلب مرا احاطه کرده، در یک روایت دارد که خناس کنار قلب انسان است، اگر انسان یاد خدا کرد کنار می‌رود، اگر یاد خدا نکرد قلب را تصرف می‌کند، هوا و هوس انسان یک چیزهایی است که برای انسان مضر است، لذا انسان باید از خود هم به خدا پناه ببرد، انسان از شر خود هم باید به خدا پناه ببرد، گاهی انسان برای خود شر ایجاد می‌کند، هوای انسان، أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا.<sup>۴</sup> معبود هوای و هوس است، از این هوا و هوس هم باید به خدا پناه برد، لذا امام می‌فرماید شیطان هوا و هوس من را کمک می‌کند، هوا و هوس من دنبال گناه است او هم به این هوا و هوس کمک می‌کند، انسان چه کند؟ نه می‌تواند از هوا و هوس دست بردارد، شیطان هم که به این هوا و هوس کمک می‌کند، همه این مطالب را عرض می‌کنم که بدانیم ضعف ما تا چقدر است، خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا.<sup>۵</sup> شیطان برای من دنیا را زینت کرده، تمام کسانی که در وادی دنیا می‌آیند برای این است که شیطان دنیا را برای آن‌ها زینت داده، شیطان مانع می‌شود بین من و طاعت و قرب من و مقام قدس، نمی‌گذارد من مقرب درگاه تو باشم، راه من را منحرف می‌کند، می‌خواهد که منحرف کند.

۱. سوره مومنون، آیه ۹۷ و ۹۸

۲. سوره فصلت، آیه ۳۶

۳. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۰۷، الثانیة: مناجاة الشاکین

۴. سوره فرقان، آیه ۴۳

۵. سوره نساء، آیه ۲۸

امام صادق(علیه السلام) فرمود لَقَدْ نَصَبَ إِبْلِيسُ حَبَائِلَهُ فِي دَارِ الْغُرُورِ فَمَا يَقْصِدُ فِيهَا إِلَّا أَوْلِيَاءَنَا. <sup>۱</sup> ابلیس ریسمانها و دامهای خود را در دار دنیا پهن کرده او قصد ندارد إلا اینکه می خواهد اولیاء ما را بیاورد، آنهایی که محبت اهل بیت را دارند، دیگران که همه لشکر شیطان هستند، قصد شیطان اولیاء الهی است.

در روایت دیگر امام فرمود إِنَّ الشَّيَاطِينَ أَكْثَرُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الزَّنَابِيرِ عَلَى اللَّحْمِ وَمَا مِنْكُمْ مِنْ عَبْدٍ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ فَصَبَرَ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ. <sup>۲</sup> شیطان بر مومنین بیشتر است عدد آن بر عدد زنبورها بر گوشت، یک گوستی را بگذارید چقدر مگس و زنبور دور آن جمع می شوند، شیطانها اطراف انسان مومن از اینها بیشتر هستند.

حنان می گوید من پشت سر امام صادق(علیه السلام) نماز خواندم، نماز مغرب را، دیدم که امام با لسان بلند و جهر فرمود اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، ابتداء نماز.

گفتیم که انسان باید از خود هم به خدا پناه ببرد، تا اینجا از شیطان و کارهای شیطان بود، اما از اینجا به بعد امام در دعا می فرماید إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مَبَادِرَةً وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ، وَ تَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ. <sup>۳</sup> نفس من امر می کند، همواره به گناهان و معاصی امر می کند، ولع داشته باشم به گناه، این هم وضع نفس من است که می خواهد من را به هلاکت بکشاند، این هم حال نفس من است، آن هم شیطان، حال باید چه کرد؟ باید به خدا پناه برد.

شما دعاها را روزها را می خوانید یا نه، اگر نمی خوانید بخوانید، سلامی هم که از روز شنبه تا جمعه به ائمه هست را بخوانید، در این دعاها و سلامها یک جمله ای هست که در همه این دعاها وارد شده، در زیارت پیامبر اکرم تا می رسد به اینجا که به پیامبر خطاب می کنید که امروز روز شنبه است و مختص به شما است، هَذَا يَوْمُ السَّبْتِ وَ هُوَ يَوْمُكَ وَ أَنَا فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ فَأَضْفِنِي وَ أَجْرِنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأَضْفِنِي وَ أَحْسِنْ ضِيَافَتِي وَ أَجْرِنَا وَ أَحْسِنْ إِجَارَتَنَا بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ آلِ بَيْتِكَ وَ بِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ وَ بِمَا اسْتَوَدَعَكُمْ مِنْ عِلْمِهِ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. <sup>۴</sup> یا رسول الله امروز من مهمان شما هستم، به شما پناه آوردم، از من پذیرایی کن و من را در پناه خود بگیر، خوب از من پذیرایی کن، یعنی هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی همه جور پذیرایی کن، خوب من را در پناه خود بگیر، تو کریم هستی، دوست داری مهمان را و امر از جانب خدا داری که بنده خدا را در کنار خود پناه بدهی، من را در کنار خود پناه بده، این برای روز شنبه، تا روز یک

۱. تحف العقول، النص، ص ۳۰۱، وصيته ع لعبد الله بن جندب

۲. أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۴۳۳، باب ما يبئلى به المؤمن

۳. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۰۷، الثانية: مناجاة الشاكين

۴. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۹، ص ۲۱۲، ذكر زيارة النبي صلوات الله عليه وآله وسلم في يومه و هو يوم السبت

شنبه، امیرالمومنین و فاطمه زهرا است، بعد امام حسن و امام حسین تا روز جمعه که برای امام زمان است، آنجا می‌گویید وَ أَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأَضْفِنِي وَ أَجْرُنِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ<sup>۱</sup> من مهمان تو هستم، به شما پناه آوردم، مولای من شما کریم هستی من اولاد الکرام، پدران همه کریم هستند، از جانب خدا مامور به مهمان نوازی و پناه دادن هستید، یعنی ما هر روز در پناه پیامبر و ائمه هستیم، مهمان آن‌ها هستیم، سر سفره آن‌ها هستیم، قدردان این سفره باید باشیم، باید به این‌ها پناه ببریم. پس باید خود را در پناه خدا و ائمه قرار دهیم تا در آفت‌ها، بلاها، گرفتاری‌های، انحرافات شیطانی و نفسانی بتوانیم نجات پیدا کنیم، خدایی و الهی زندگی کنیم، امروز جهاد و صبر و استقامت می‌خواهد، خدایا ما را در پناه خود و پناه اولیاء خود قرار بده و از شرور خلق نجات بده.

---

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص ۲۱۶، يوم الجمعة و هو يوم صاحب الزمان صلوات الله عليه و باسمه و هو اليوم الذي يظهر فيه عجله الله زيارته